

بصیرت تکلیف محوری

محمد مهدی ماندگار - سید جواد حسینی

مقدمه

هر عقل و فطرت سالمی پنج پیام به صاحبش می‌دهد و با طرح پنج سؤال، او را به سوی دین و وحی راهنمایی می‌کند؛ چرا که خداوند دو حجت دارد: حجت باطنی (عقل) و حجت بیرونی (وحی و پیامبران).

امام کاظم علیه السلام فرموده است: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةً وَ حُجَّةَ بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأُئِمَّةُ عليهم السلام وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ؛^(۱) به

راستی برای خدا بر مردم دو حجت است: یکی ظاهری و دیگری باطنی؛ اما حجت ظاهری، رسولان و انبیا و امامانند و اما حجت باطنی عقلها.»

عقل انسان از وحی الهی بی‌نیاز نیست؛ زیرا وحی، تعالیمی را می‌آورد که عقل بشری به آن راه ندارد؛ چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «وَ عَلَّمَكْ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ»؛^(۲) [یا وحی] به تو آموختیم [ای پیامبر و ای عقل کل!] چیزی را که نمی‌دانستی [و با عقل به آن راه نمی‌یافتی].»

همچنین خطاب به کل بشر نیز

فرمود: «فَادْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»^(۱) «خدا را یاد کنید همان گونه که خداوند، چیزهایی را که نمی دانستید [و هرگز به آن نمی رسیدید] به شما تعلیم داد.»

از آیات فوق استفاده می شود که آنچه بر پیامبران نازل شده است، معارفی است که بخشی از آن در توان عقل نیست و اگر خداوند آنها را نازل و انسانها را از علم غیثش و وحی بهره مند نمی کرد، انسانها برای همیشه از آن معارف محروم بودند؛ حتی «اگر جن و انس جمع شوند، همانند قرآن را نمی توانند بیاورند.»^(۲)

پیامهای عقل فطری

عقل سالم و فطری هر انسانی این پیامها را به انسان می دهد:

۱. هر وجودی (که نبوده و به وجود آمده) مبدأ و آغازی برای آن متصور است.

۲. هر مبدأ، مقصد و هدفی دارد.

۳. بین هر مبدأ و مقصدی تنها یک

صراط مستقیم وجود دارد.

۴. هر راه و صراطی ضرورتاً راهنمایی دارد.

۵. هر راه و صراطی، راهزنی دارد.

در روایات نیز گاهی به این پیامهای عقل اشاره شده است؛ از جمله علی علیه السلام فرموده است: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَعَدَّتْ لِنَفْسِهِ وَ اسْتَقَدَّ لِرِئْسِهِ وَ عَلِمَ مِنْ أَيْنَ؟ فِي أَيْنَ وَ وَلَّى أَيْنَ؟»^(۳) خداوند رحمت کند آن انسانی را که آنچه لازم است، برای نفس خود تهیه و خویشتن را برای قبر، مستعد و آماده سازد. آن انسانی که بداند از کجا آمده و در کدام راه است و به سوی کدام مقصد بازمی گردد.»
مولوی چه زیبا گفته است:

روزها فکر من این است و هم شب سخنم

که چرا غافل از احوال دل خویشتم

ز کجا آمده ام (من این) آمدنم بهره چه بود (فی این)

به کجا می روم آخر نمایی وطنم؟ (الی این)

وژان فوارستی، دانشمند آلمانی

خوب گفته است؛ آنجا که می گوید:

«هر چه بشریت ترقی می کند، این سؤال

بیشتر مطرح می شود که چرا باید بمیرد

و منظور از آمدن و رفتن چیست؟ و

۳. اعلام الدین، ص ۳۴۴ و رحیق مختوم، عبدالله جوادی آملی، قم، اسراء، ص ۱۲۸.

۱. بقره / ۲۳۹.

۲. اسراء / ۸۸.

که باید پاسخهای سؤالات فطری خود را از دین بیابد. امام صادق علیه السلام فرمود: «وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلَّهُ فِي أَرْبَعِ أَوْلَاهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ وَ الثَّانِي أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ وَ الثَّلَاثُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَ الرَّابِعُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ مِنْ دِينِكَ»^(۱) تمام علم مردم را در چهار (چیز) یافتیم: اول آن، این است که خدایت را بشناسی؛ دوم اینکه خود را بشناسی؛ سوم اینکه آنچه از تو اراده کرده (و هدف خلقت) را بشناسی و چهارم اینکه آنچه تو را از دینت خارج می‌کند (یعنی راهزن را) بشناسی.»

دین در پاسخ پرسش اول می‌گوید که خداوند مبدأ و خالق تمام هستی است: «إِنَّا اللَّهُ»^(۲) «از خداییم» و در جای دیگر فرمود: «قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ»^(۳) «بگو: خدا خالق همه چیز و او یکتا و پیروز است.» هر موجودی که شیء بر او صدق کند، خالق و هستی او از خداوند است. دین در پاسخ به پرسش دوم

به قول سقراط «زندگی بررسی نشده، ارزش زیستن ندارد.»^(۴)

هر چند سؤالات فطری عقل، اول متوجه خود اوست؛ ولی برای حل معما باید عقل در مقابل وحی الهی و ادیان آسمانی زانو بزند تا پاسخ صحیح را دریافت کند.

سؤالهای عقل فطری از دین و

پاسخهای دین

۱. مبدأ همه وجود و عالم هستی کیست؟
۲. مقصد عالم هستی و دنیا کجاست؟
۳. صراط مستقیم بین این مبدأ و مقصد چیست؟
۴. راهنما و یا راهنمایان چه کسانی‌اند؟
۵. راهزن و یا راهزنان چه افرادی‌اند؟

جالب این است که خود دین، قبل از اینکه به این سؤالات پاسخ بگوید، بشر و عقل فطری او را تشویق می‌کند

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۰، باب النوادر، ح ۷.
۳. بقره/۱۵۶.
۴. رعد/۱۶.

۱. ر.ک: جوان و بحران هویت، محمد رضا شرفی، ص ۹۶، به نقل از: مجله صباح، ش ۹ و ۱۰، ص ۶۸.

می‌گوید که قیامت و لقاء الله، رسیدن به کمال و رحمت الهی است؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾؛^(۱) «ما از خداییم و به سوی او برمی‌گردیم» و در جای دیگر فرمود: ﴿أَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَصِيرُ الْأُمُور﴾؛^(۲) «آگاه باشید که همه کارها تنها به سوی خدا بازمی‌گردد.»

فعل مضارع، استمرار را افاده می‌کند؛ یعنی برگشت امور به خدای متعال، دائمی است.^(۳) پس تمامی هستی به سوی او در سیلان و جریان‌اند و ما، چه بخواییم و چه نخواستیم، چه بدانیم و چه ندانیم، رو به سوی آن هدف و غایت داریم.

دل، سرپردهٔ محبت اوست دیده آینه دار طلعت اوست هر گل نو که شد چمن آرای زائر رنگ و بوی صحبت اوست^(۴) دین در پاسخ به پرسش سوم می‌گوید: دین اسلام و رفتار پیامبر و

امامان، صراط مستقیم است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾؛^(۵) «دین (مجموعهٔ قوانین روش زندگی) نزد خداوند، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است.» همچنین در جای دیگر فرموده است: ﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾؛^(۶) «آیا آنها غیر از آیین خدا می‌طلبند [آیین او همین اسلام است] و تمام کسانی که در آسمانها و زمین‌اند با اختیار یا اجبار، در برابر [فرمان] او تسلیم‌اند، و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند.» آیه دیگر می‌فرماید: ﴿الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾؛^(۷) «صراط مستقیم، راه کسانی که مشمول نعمت خود ساختی» و در سورهٔ نساء، بندگان مشمول نعمت را چنین معرفی می‌کند: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾؛^(۸) «و کسی که خدا و

۱. بقره/ ۱۵۶.

۲. شوری/ ۵۳.

۳. المیزان، علامه سید محمدحسین طباطبایی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۸، ص ۸۱.

۴. حافظ.

۵. آل عمران/ ۱۹.

۶. همان/ ۸۳.

۷. حمد/ ۶ و ۷.

۸. نساء/ ۶۹.

أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^(۴) «از خدا اطاعت کنید و از رسول او و صاحبان امر (امامان) اطاعت کنید.»

روایت پیشین، انبیا و امامان را حجت الهی معرفی کرد: «أَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأئِمَّةُ»^(۵) امام باقر علیه السلام ذیل آیه «وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ»؛ «این صراط مستقیم من است، پس پیروی کنید» فرمود: «طَرِيقُ الْإِمَامَةِ فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ أَيْ طَرِيقاً غَيْرَهَا»^(۶) مقصود طریق امامت است که از آن پیروی کنید و از راههای دیگر پیروی نکنید.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علما فرموده است: «الْعُلَمَاءُ أُمَّتَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ»^(۷) علما امینهای خدا بر خلق اویند.»

امام زمان علیه السلام در توقیعی می فرماید: «وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ اما در حوادثی که پیش

پیامبر را اطاعت کند [در روز رستاخیز] همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده است، از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان و آنها رفیقهای خوبی هستند.»

از مجموع آنچه در این قسمت بیان شد، به دست آمد که دین اسلام و رفتار انبیا، امامان، شهدا و صالحان به عنوان صراط مستقیم الهی مطرح است.

خداوند در پاسخ پرسش چهارم، یعنی راهنمایان این راه، انبیا، به ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان را معرفی می کند. پروردگار بی همتا درباره انبیا می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ»^(۱) «به راستی رسولان ما با معجزات آمدند» و یا فرمود: «وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ.»^(۲)

همچنین خداوند متعال درباره شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَ إِنْكَ لَنْهَدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^(۳) «به راستی تو مردم را به صراط مستقیم هدایت می کنی» و درباره امامان معصوم علیهم السلام فرمود: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ

۴. نساء / ۵۹.

۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶.

۶. غایة المرام، ابن میثم بحرانی، چاپ قدیم، مقصد ثانی، باب ۲۱۲، ص ۴۳۵.

۷. کنز العمال، متقی هندی، مؤسسة الرسالة، ح ۲۸۶۷۵، به نقل از: منتخب میزان الحکمه، دارالحدیث، ص ۳۶۷.

۱. حدید / ۲۵.

۲. مائده / ۳۲.

۳. شوری / ۵۲.

گر پنهانکار که در درون سینه انسانها
وسوسه می کند؛ خواه از جن باشد یا
انسان.»

امام صادق علیه السلام می فرماید: «عُلَمَاءُ
شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِاللَّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ
وَ عَفَارِيْتُهُ يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَيَّ
ضَعْفَاءَ شِيعَتِنَا وَ عَن أَنْ يَتَسَلَطَ عَلَيْهِمْ
إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ؛^(۵) علمای شیعیان ما
مرزداران مرزهایی هستند که ابلیس و
عفریتهای او در آنجا حضور دارند و
آنها را از وارد شدن بر شیعیان ناتوان و
مسلط شدن شیطان و پیروان او بر آنان
محافظت می کنند.»

این روایت، عالمان را راهنمایان و
شیاطین جَنّی و انسی را راهزنان معرفی
می کند.

نتیجه: با همین بیان کوتاه، نکات
ذیل قابل نتیجه گیری است:

۱. مهم ترین بصیرتها، مبدأشناسی
(خداشناسی)، مقصد شناسی (معاد
شناسی)، دین و صراط مستقیم شناسی
(اسلام شناسی)، راهنما شناسی (ولایت
شناسی)، راهزن شناسی (دشمن شناسی)

۵. احتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۱۳، ح ۷ به نقل از:
منتخب میزان الحکمه، ص ۳۶۷، ح ۴۵۳۶.

می آید [و مسائلی که نیاز به آن پیدا
می شود] به راویان [و صاحب نظران در]
حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آنان (فقها)
حجت من بر شما و من حجت خدا بر
آنان هستیم»^(۱)

قرآن درباره پرسش پنجم، راهزنان
طریق مستقیم الهی را شیاطین جن و
انس می داند. شیطان با تهدید گفت:
«لَأَفْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»^(۲)

«من بر سر راه مستقیم تو در برابر آنها
کمین می کنم» و خداوند هم فرمود: «يَا
بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ
عَدُوٌّ مُّبِينٌ»^(۳) «ای فرزند آدم! شیطان

را نپرستید که او برای شما دشمن
آشکاری است» و درباره شیاطین انسی
و جنی فرمود: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ

* مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ
الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي
صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ»^(۴)

«بگو پناه می برم به پروردگار، حاکم
و مالک و معبود مردم از شر وسوسه
۱. کمال الدین، شیخ صدوق، قم، مسجد جمکران،
تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۲۳۸، باب ۴۵،

ح ۴.
۲. اعراف / ۱۶.
۳. یس / ۶۰.
۴. ناس / ۱ - ۶.

انس (راهزنان) این است که یا تکلیف شناخته نشود و یا انجام نشود و یا تداوم نیابد؛ از اینرو این مبنای درگیری و تقابل حق و باطل در طول تاریخ بشر بوده است.

تکلیف چیست؟

تکلیف؛ رمز بندگی، زیباترین رابطه با عالم هستی (خالق و مخلوق)، تنها راه تعالی، بهترین توشه و برداشت از فرصت زندگی، همچنین پرسودترین معامله هستی است؛ چرا که تکلیف، جاده‌ای دو طرفه است: الف. تکالیف خدا، مولا و خالق؛ ب. تکالیف عبد و بنده.

از جمله تکالیف الهی، رحمت ﴿كُتِبَ عَلَي نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ﴾، مغفرت، نصرت، عزت، هدایت، معیشت، شفاعت، حیات طیبه، سعادت و رستگاری، حمایت، امنیت، برکت و ... است.

هرکس تکلیف بندگی خود را انجام دهد به تمام این فیوضات می‌رسد؛ پس شیطان و لشگریانش، همه همت خود را گمارده‌اند که انسان به تکلیف عمل نکند یا با نشناختن یا با عمل نکردن و

علمای شیعیان ما مرزداران مرزهایی هستند که ابلیس و عفریتهای او در آنجا حضور دارند و آنها را از وارد شدن بر شیعیان ناتوان و مسلط شدن شیطان و پیروان او بر آنان محافظت می‌کنند

است.

۲. در میان این بصیرتها، آنچه نقش محوری دارد، راهنما شناسی است؛ یعنی ولایت‌شناسی و ولایت‌مداری که امام باقر علیه السلام فرمود: «وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»^(۱) برای هیچ امری به اندازه امر ولایت، فریاد زده نشد.

۳. مهم‌ترین مسئله که نتیجه بصیرت دقیق، عمیق و مداوم محسوب می‌شود این است که تکلیف، یعنی همان اصلی‌ترین رابطه با عالم هستی و زیباترین مصداق بندگی شناخته و درست و دقیق، اجرا و بر تداوم آن، استقامت شود.

۴. اصلی‌ترین ضربه شیاطین جن و

۱. اصول کافی، کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا، ج ۲، ص ۱۸.

چرا تکلیف؟

از بیان فوق کاملاً روشن می شود که رابطه درست با عالم هستی (خالق و مخلوق)، سعادت و درک همه فیوضات، در گرو انجام درست و دقیق تکلیف است و راهی برای نیل به کمال بی نهایت که در فطرت انسان نهاده شده است، جز انجام تکلیف نیست.

همه امتیاز رستگاران تاریخ، اعم از انبیا، اوصیا، شهدا، صلحا و علما در تشخیص و انجام درست تکالیفشان به اقتضای شرایط و زمان بوده است و تنها راه سعادت برای رهروان طریق حقیقت نیز همین تکلیف مداری است:

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»^(۱) «در میان مؤمنان، مردانی هستند که بر سر عهدهی که با خدا بستند صادقانه ایستاده اند. بعضی پیمان خود را به آخر بردند [و در راه او شربت شهادت نوشیدند] و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و

چگونگی تکلیف؟

اولین مرحله، چگونگی تشخیص تکلیف است که بصیرتی دقیق، عمیق و مداوم می طلبد؛ و گرنه انسان به سعادت انجام تکلیف نخواهد رسید؛

بصیرت اول در تشخیص تکلیف؛

بصیرت در تشخیص شرایط زمانی، مکانی، فردی، خانوادگی و... است.

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا»^(۲) «خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی کند.»
 «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^(۳) «خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کند.»

امام صادق علیه السلام: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ»^(۴) هر کس زمان شناس باشد شبهات به او هجوم نمی آورند.

بصیرت نسبت به شرایط فردی، خانوادگی، زمانی، مکانی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی که نتیجه اش تعریف و شناخت دینی از

۲. طلاق / ۷.

۳. بقره / ۲۸۶.

۴. الکافی، ج ۱، کتاب العقل و الجهل، ص ۲۶.

وجه مشترک تمام کسانی که امام را تنها گذاشتند، دنیا گرایی و ولایت گریزی است.

باطل است؛ اما یکی تکلیف بنابر موضوع و شرایط زمان معاویه است و دیگری تکلیف بنابر موضوع و شرایط یزید است.

بصیرت دوم در تشخیص تکلیف؛

بصیرت در تشخیص ولی الهی و اهل ذکر است: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^(۱) «از اهل ذکر پرسید اگر نمی دانید.»

بعد از تشخیص درست موضوع، برای تشخیص تکلیف باید سراغ اهل ذکر رفت که همان اهل بیت باشند. از صادقین علیهم السلام نقل شده است که مراد از اهل ذکر، آل محمد علیهم السلام است^(۲) و همین طور اهل بیت علیهم السلام اهل ولایت الهیه اند. امام صادق علیه السلام فرمود که منظور از ذکر در آیه «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» ولایت الهیه اهل بیت علیهم السلام

موضوعات در زندگی انسان است، اولین گام برای تشخیص درست و دقیق تکلیف محسوب می شود.

موضوعات زندگی را باید درست دید، کامل دید، ظاهر و باطنش را دید، اول و وسط و آخرش را دید، عمیق و دقیق و وسیع دید، با خدا دید، با آخرت دید، که همه این دیدنها منوط به این است که موضوعات زندگی را از دریچه دین بینیم و از زبان اهل دین - که همان صاحبان ولایت اند - بشنویم و بشناسیم؛ و گرنه اگر تنها بعد دنیوی، ظاهری و مادی موضوعات زندگی دیده شود و از زبان شیاطین شناخته شود قطعاً به تشخیص درست تکلیف نخواهیم رسید و تلاش شیطان، شناخت ناقص، غلط و تک بعدی موضوعات است. نماز نشسته و نماز ایستاده هر دو نمازند؛ ولی یکی تکلیف انسانی است که موضوعش سلامت است و دیگری تکلیف انسانی است که موضوعش بیماری است.

صلح امام حسن علیه السلام و قیام امام حسین علیه السلام هر دو احیای دین و افشای

۱. نحل / ۴۳.

۲. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۳، ص ۱۲۷.

و ولایت امیر مؤمنان است.^(۱) خسته شدند و سراغ حضرت آمدند؛ نه به خاطر حقیقت ولایت حضرت، بلکه برای منفعت خویش که آن را در خطر می دیدند.

منتظران امام علی علیه السلام که باعث شدند حضرت از خانه نشینی خارج شود، در مدت کوتاهی به چند گروه تبدیل شدند و نه تنها حضرت را در ادامه راه، یاری نکردند که به مخالفت و دشمنی هم پرداختند:

الف. عافیت طلبان، مرفهین بی درد، جهادگریزان در قالب حزب قاعدین، حضرت را تنها گذاشتند.

ب. ویژه خواران، سابقه دارانی که بهای تلاش خود را از حکومت می خواستند در قالب حزب ناکثین و جنگ جمل، به جنگ با حضرت پرداختند.

ج. ساده لوحان، هجده ماه از جنگ صفین را کنار امام رزمیدند؛ ولی با مکر عمروعاص و معاویه و قرآن بالای نیزه رفتن دچار شبهه و تردید شدند. خواص هم امام را تنها گذاشتند و حتی امام را در صورت ادامه جنگ، تهدید کردند.

دستگاه ابلیس تلاش کرده و می کند که این نیاز فطری بشر یعنی پرسش را در مسیر انحرافی قرار دهد؛ از اینرو پیامبر قلابی درست می کند (سامری در زمان حضرت موسی علیه السلام)، قرآن قلابی درست می کند در جنگ صفین، امام زمان قلابی درست می کند، کارشناس دین قلابی درست می کند تا با مراجعه به ولی قلابی، مردم به تشخیص درست تکالیف و در نتیجه به بندگی خدا نرسند.

جنگ صفین

همه می دانند که امام علی علیه السلام مصداق دهها آیه قرآن و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ولی خدا، جانشین الهی پیامبر و واسطه تکمیل دین و نعمت است. «أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»^(۲) اما این امام برحق، بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله بنا بر مکر شیاطین جن و انس، خانه نشین شد و حدود ۲۵ سال به نوعی در غیبت به سر بردند تا اینکه مردم از ظلم حکومت

۱. تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۳۲۶.

۲. مانده / ۳.

به عبادت.

در جنگ صفین، ثقل اکبر را بالای نیزه بردند؛ در حالی که روح ثقل اکبر، ثقل اصغر یعنی امامت و ولایت است؛ چون پیامبر اکرم ﷺ فرموده بود: «عَلِيُّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُ مَا دَارَ»^(۳) علی با حق و حق با علی است و حق بر محور او می چرخد. مردم را در امر ولایت مردد کردند و امر ولایت را که الهی است و بر اساس لیاقت است، بر امور ظاهری و بشری مترتب کردند، غافل از اینکه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»^(۴) «ولئ و سرپرست شما فقط خدا و رسولش و کسانی هستند که ایمان آورده اند؛ همان کسانی که اقامه نماز کردند و در حال رکوع زکات [و صدقه] دادند.»

این عمّار؟

شخصیت عمّار، فرزند یاسر و سمیه اولین زن و مرد شهید تاریخ اسلام در بین یاران امام علی ع در عصر مظلومیت

۳. بحار الانوار، مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۰، ص ۴۳۲، ۴۴۵ و ۴۵۰ و ج ۲۸، ص ۱۸۹.

۴. مانده / ۵۵.

د. خود محوران و مغروران به عبادت و تهجد، با شعار «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» از طریق مستقیم خارج شدند و جنگ نهروان را راه اندازی کردند.

تنها گروه اندکی در یاری امام خویش ثابت قدم ماندند و با افشاگری مکر شیاطین، به بصیرت دهی پرداختند. در دعای ندبه می خوانیم: «إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ»^(۱) جز اندکی از مؤمنان حقیقی که حق اولاد رسول را رعایت کردند.

وجه مشترک تمام کسانی که امام را تنها گذاشتند، دنیا گرایی و ولایت گریزی است. دو عنصری که لازم و ملزوم یکدیگرند و شیطان با زینت دادن دنیا «لَا زَيْنَ لَهُمْ»^(۲) برای زمینه داران، آنها را از صراط مستقیم ولایت جدا می کند؛ گروهی را با عافیت طلبی، گروهی را با فرصت طلبی و قدرت پرستی و ثروت اندوزی، گروهی را با شبهه افکنی و تردید در حق و مشتبه کردن امر، گروهی را هم با خود بزرگ بینی، غرور، نخوت و تکبر نسبت

۱. دعای ندبه.

۲. حجر / ۳۹.

ولایت می درخشد؛ چون تنها اوست که پیش از همه به نقطه اصلی فتنه توجه می دهد و آن، مشتهبه کردن امر ولایت الهیه است.

عمار در جریان فتنه ها به ویژه در جنگ صفین خود را به آب و آتش می زند تا ولایت الهیه امام را تبیین کند و شبهات را پاسخ دهد و با دلیل عقل و نقل، آیه و روایت، مردم را به بصیرت در ولّی شناسی راهنمایی کند و دست ابلیس را در ایجاد شبهات افشا نماید. عمار، مصداق بارز کلام امام می شود که «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَ الصَّبْرِ»^(۱) این پرچم را جز اهل بصیرت و صبر [و استقامت] نمی توانند به دوش بکشند.»

عمار، مبانی عقلی و شرعی ولایت را بیان می کند، از عصمت و علم الهی امام می گوید، از جانشینی به حق و الهی امام می گوید، عمار از برکات فردی و اجتماعی پیروی از امام و ولایت می گوید، عمار از بدبختیها و نکتبهای ولایت گریزی و نداشتن امام

الهی و امام حق می گوید. اگر خواص زمان امام، همه همانند عمار به انجام تکلیف می پرداختند و در ولّی شناسی مردم را یاری می کردند، حوادث تلخ شهادتها و به ویژه حادثه کربلا به وقوع نمی پیوست. به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی): «ما باید بفهمیم چه بلایی بر سر آن جامعه آمده است که سر حسین بن علی علیه السلام آفازاده اول دنیای اسلام و پسر خلیفه مسلمانان علی بن ابی طالب علیه السلام در همان شهری که پدر او بر مسند خلافت نشسته است گردانده شد و آب از آب هم تکان نخورد...»^(۲) اگر خواص دیگر زمان امام همانند عمار در تبیین ولایت الهیه امام و زدودن شبهات تلاش می کردند، این عوامل، زمینه ساز حادثه کربلا نمی شد:

۱. غفلت و دوری از یاد خدا؛
۲. ایمانهای موقت و ناپایدار؛
۳. دنیا گرایی؛
۴. بی تفاوتی مردم در برابر منکرات.

قرآن بارها می فرماید: «فَاعْتَبِرُوا يَا

۲. روزنامه کیهان، ۸۵/۱۱/۱۹، ش ۱۸۷۳۴، ص ۶ (معارف).

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۷۳، ص ۳۲۸.

دیگر زمینه‌ای را برای تربیت غیور مردانسی باقی نمی‌گذارد که با جان، مال و آبرو در زمان خطر، از اسلام و ارزشها دفاع کنند؛ چرا که همه مدافعان حریم اسلام و ولایت از صدر تا کنون به ویژه در سالهای نورانی دفاع مقدس، تربیت شدگان دامنه‌های عقیف مادرانی بودند که لحظه‌ای از یاد خدا و محور یاد خدا یعنی ولی خدا غافل نبودند.

ایمانهای موقت و ناپایدار

ولایت، شرط توحید است و بنا بر حدیث سلسله الذهب امام رضا علیه السلام که فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ عَذَابِي بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»^(۳) هر کس در باب امامت و ولایت دچار تردید شود قطعاً توحید او نیز دچار تزلزل می‌شود و این زیربنای همه ایمانهای ناپایدار بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله شد و دشمن نیز با همین شیوه توانست امام حق، علی ابن ابی طالب علیه السلام را خانه نشین کند و کار را بدانجا رساند که برای قرب به حضرت حق، به قتل امامان حق دست زدند و در

أُولَى الْأَبْصَارِ»^(۱) «ای صاحبان بصیرت! [از این ماجراها] پند و عبرت بگیرید.»
عمار با شناخت درست لایه‌های زیرین جبهه دشمن و دشمن شناسی دقیق توانست، فتنه را افشا کند.

غفلت و دوری از یاد خدا

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ»^(۲) «پس از آنان کسانی جانشین شدند که نماز را ضایع و تباه کردند و از شهوات پیروی نمودند.» کنار گذاشتن مظاهر یاد الهی همچون نماز، دعا، ذکر و راز و نیاز قطعاً تنها باعث دوری از یاد خدا نمی‌شود؛ بلکه باعث دوری از امام حق که روح نماز است نیز می‌شود که در سلام به هر امامی می‌گوییم: «أَشْهَدُ أَنْكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ» دوم اینکه وقتی امام و خلیفه خدا و مظاهر یاد خدا، کنار گذاشته شود، حدود الهی تعطیل و زمینه ساز رواج فحشا و شهوت‌رانی می‌شود؛ چنان که قرآن در آیه فوق فرمود.

شکستن مرز عفاف بین زن و مرد، گرفتاری در هواهای نفسانی و شهوات،

۱. حشر / ۲.

۲. مریم / ۵۹.

۳. بحار الانوار، مجلسی، ج ۳، ص ۷، باب ۱، ثواب الموحدين.

بر زمین سنگینی می‌کنید [و سستی به خرج می‌دهید] آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟ با اینکه متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست.»

این آیه خطاب به مؤمنان است؛ یعنی آنها که حق را می‌شناسند و طرفدار حق‌اند؛ ولسی در عین حال در تقابل دنیا پایشان می‌لرزد، در مقابل پول، خانواده، پست، مقام، شهرت و...؛ یعنی حاضر نیستند برای دفاع از حق، ارزشها و امام حق، از دنیای خود بگذرند و جان و هستی خود را فدا کنند.

خداوند خطاب به اینها می‌فرماید که آیا به این دنیای کوچک در مقابل آخرت بی‌نهایت، راضی شدید (که البته به آن هم نمی‌رسید، همچنان که هیچ کدام از وعده‌های باطل به سپاه عمر سعد، محقق نشد) تنها نتیجه این دنیاگرایی، محرومیت این افراد از فضیلت جهاد و دفاع از حق و پذیرش عقاب دنیا و آخرت است؛ از اینرو در آیه بعد می‌فرماید: «إِلَّا تَنْفَرُوا يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ»^(۱) «اگر کوچه

عاشورا فریاد زدند: «ای سپاه خدا! برای رسیدن به بهشت به کشتن حسین بن علی ابن ابی طالب علیه السلام مبادرت ورزید.»

اگر امام حق، محور توحید است جانشین امام حق نیز این محوریت را در عصر غیبت دارد؛ چرا که حضرت فرمود: «فَاتَّبَعْتُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ فقها، حجت من بر شما (مردم) و من (اهل بیت) حجت خدا بر آنان هستم.»

امروز نیز ایجاد تردید در ولایت الهیه فقیه، زمینه‌ساز ایمانهای موقت و ناپایدار خواهد بود.

دنیاگرایی و توجه به مادیات

مهم‌ترین نتیجه بی‌بصیرتی، یعنی نفهمیدن باطن دنیا؛ یعنی آخرت، باعث دنیاگرایی و راضی شدن به متاع قلیل دنیا می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ»^(۱) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید،

أَذَلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ^(۱)» ای مؤمنین، هر کس از شما از دینش برگردد، خداوند قومی با می آورد که آنها را دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند و نسبت به مؤمنین متواضع و نسبت و کفار نفوذناپذیرند، در راه خدا مجاهده می کند و از سرزنش، هیچ سرزنش کننده ای نمی ترسند و این از فضل خداست که به هر کس نخواهد، عطا می کند. «نیز همین است و امید اینکه قومی که خداوند وعده یاری دین خدا را درباره آنها داده است، امت الهی عصر امام خمینی علیه السلام باشند که به وضوح می بینیم مدال دفاع از اسلام، تشیع، حق و ولایت در عصر حاضر در سراسر دنیا به نام امت ولایتمدار ایران اسلامی مطرح است و ان شاء الله تا ظهور امام زمان علیه السلام این مدال افتخار از این امت ولایی سلب نشود.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

فرمودند:

«خدای متعال وعده داده است

بصیرت، مهم ترین عامل موفقیت حق در برابر باطل در جنگ های نرم و سخت است. شخصیت هایی مثل عمار با بصیرت دهی به جامعه در دو بخش ولی شناسی و دشمن شناسی، هم در جنگ نرم یعنی تقابل بین امام و جریان قاعدین و هم در جنگ سخت که تقابل بین امام و جریان ناکثین، قاسطین و مارقین بود، زیباترین روشنگری را انجام دادند

نکنید، خداوند شما را عذابی دردناک می نماید و قومی غیر از شما را جایگزینی می کند.» شما مؤمنانی که برای دنیا، حق را یاری نکردید عذاب می شوید و خدا برای یاری دین خود، گروهی دیگر از مؤمنان را جایگزین شما می کند و این برکت و فضیلت جهاد در راه خدا به نام آنها نوشته می شود که مضمون آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدْكُمْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ

همه شهید خواهند شد و از بین خواهند رفت! کما اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام شهید شد، کما اینکه امام حسین علیه السلام شهید شد.^(۲)

کوتاهی‌های خواص

رسالت خواص، بالا بردن سطح فرهنگی و علمی مردم و ایجاد بصیرت و آگاهی در میان توده‌های مردم است که نتیجه آن جلوگیری از انحراف در جامعه اسلامی می‌شود؛ اما بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کوتاهی‌های خواص در مقابل زمینه‌های انحراف و آگاهی و بصیرت ندادن به مردم، باعث انحراف شد و این انحراف، دامن خود خواص را هم گرفت. این کوتاهی عبارت بود از:

الف. بازگشت به جاهلیت: تمام تلاش پیامبر در بنیان حکومت عدل و قسط براساس معیار تقوا، اخلاص و شایستگی بود؛ اما بازگشت به جاهلیت، جامعه را به معیارها و سنتهای غلط جاهلی در کنار گذاشتن معیارهای تقوا، اخلاص و شایستگی کشاند.

۲. سایت آیت الله خامنه‌ای، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله/ عوام و خواص، ۱۳۷۵/۳/۲۰.

که اگر کسی او را نصرت کند، او هم نصرتش خواهد کرد. برو برگرد ندارد! اگر کسی برای خدا تلاش و حرکت کند، پیروزی نصیبش خواهد شد، نه اینکه به یک نفر پیروزی می‌دهند. وقتی مجموعه‌ای حرکت می‌کند. البته شهادتها هست، سختیها هست، رنجها هست؛ اما پیروزی هم هست. «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^(۱) «هر آینه خداوند یاری می‌کند هر کس را که یاریش کند.» نمی‌فرماید که نصرت می‌دهیم، خون هم از دماغ کسی نمی‌آید، نه! «فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ» می‌کشند و کشته می‌شوند؛ اما پیروزی به دست می‌آورند.

این سنت الهی است. وقتی که از ریخته شدن خونمان ترسیدیم، از هدر شدن پول و آبرو ترسیدیم، به خاطر خانواده ترسیدیم، به خاطر دوستان ترسیدیم، به خاطر راحتی و عیش خودمان ترسیدیم، به خاطر پیدا کردن کاسبی، برای پیدا کردن یک اتاق بیش‌تر از خانه قبلی، وقتی به خاطر این چیزها حرکت نکردیم، معلوم است دیگر! ده تن امام حسین هم سر راه قرار بگیرند،

ب. امتیازخواهی و انگیزه‌های غیر الهی: ویژه‌خواری بعضی از خواصی که ایمانشان با تقوا و اخلاص عجین نشده بود، آنها را به فزون طلبی در حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشاند و باعث زراندوزی آنها شد و همین ویژه‌خواری را نیز از امام حق مطالبه می‌کردند؛ همانند طلحه و زبیر.

ج. عافیت‌طلبی: بعضی از خواص، مردان دوره آرامش‌اند؛ نه دوران خطر؛ از اینرو در جانفشانی جنگ احد، خندق و خیبر از جنگیدن و سبقت در جهاد سرباز زدند و در زمان امیرمؤمنان علیه السلام نیز با همین عافیت‌طلبی، حضرت را به کنار آمدن با معاویه توصیه می‌کردند، همچنان که، امروز، عافیت‌طلبان، نظام را به کنار آمدن با معاویه‌های زمان یعنی آمریکا، اسرائیل و انگلیس توصیه می‌کنند و از حمایت‌های نظام از مظلومان جهان به ویژه مظلومان فلسطین، لبنان، عراق، یمن، افغانستان و پاکستان، انتقاد دارند؛ به بهانه اینکه به ساختن ایران پردازید و به دیگران کاری نداشته باشید که اینان دل برای ایران نمی‌سوزانند؛ بلکه از جنگیدن ترس دارند.

د. غفلت: غفلت و کوتاهی خواص از اقدام به موقع، از آفات و بیماریهای خواص است. اگر صدها صحابی پیامبر که در سال ۳۶ هجری در مسجد کوفه برخاستند و شهادت دادند که شاهد عینی غدیر بودند، در رحلت پیامبر از جانشین و وصی او دفاع می‌کردند، اگر توابین که بعد از حادثه عاشورا توبه کردند و چندین برابر شهید دادند، در حادثه عاشورا امام را یاری می‌کردند، اگر مردم مدینه به جای مقابله با عمال یزید در واقعه حرّه (بعد از عاشورا)، در حرکت امام، ایشان را یاری می‌کردند، آن اتفاقات ناگوار به وجود نمی‌آمد. امروز هم اگر خواص، آنجا که باید بگویند، با فریاد بلند و رسا بگویند و آنجا که نباید بگویند، به تبعیت از ولایت سکوت کنند قطعاً مردم، دچار بی‌بصیرتی نمی‌شوند.

ه. آسیبهای اخلاقی: آفاتی همچون حسد، عجب، تکبر، غرور و نفاق، از امراض عمومی به ویژه مربوط به خواص است که در تاریخ اسلام، زمینه‌ساز حوادثی چون عاشورا و کربلا شد.

رسالت خواص، بالا بردن سطح فرهنگی و علمی مردم و ایجاد بصیرت و آگاهی در میان توده‌های مردم است که نتیجه آن جلوگیری از انحراف در جامعه اسلامی می‌شود نمی‌کنند.»

انواع گناهان اعتقادی و اخلاقی (چهارشنبه خواندن نماز جمعه)، میگساری، فحشا، آوازه‌خوانی و ... در جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر ترویج شد.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) فرمودند: «اینکه ما بر مسئله فساد و فحشا، مبارزه و نهی از منکر و این چیزها تکیه می‌کنیم، یک علت عمده‌اش این است که جامعه را تحذیر می‌کند. همان مدینه‌ای که اولین پایگاه تشکیل حکومت اسلامی بود، بعد از اندک مدتی به مرکز بهترین نوازندگان، خوانندگان و معروف‌ترین رقصان تبدیل شد؛ تا جایی که وقتی در دربار شام می‌خواستند بهترین معنیان را خبر کنند، از مدینه آوازه‌خوان و نوازنده

و. بی تفاوتی در برابر منکرات: قیام در برابر منکرات و زمینه‌سازی برای فضایل، وظیفه هر مسلمان به صورت فردی و اجتماعی است تا جایی که قیام برای اقامه معروف و محو منکر به عنوان اصلی‌ترین هدف قیام امام حسین علیه السلام شمرده شده است: «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ»^(۱) اراده کرده‌ام که امر به معروف و نهی از منکر کنم.» امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابَ لَكُمْ»^(۲) امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرار تان بر شما مسلط می‌شوند و سپس اگر دعا کنید، اجابت نمی‌شود.» از اینرو غیرت دینی از واجبات و لوازم مسلمانی است و انسان بی غیرت، مرده زنده نما خوانده شده است. قرآن در آیه ۷۸ و ۷۹ سوره مائده می‌فرماید: «لُعِنَ الَّذِينَ ... كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» «لعنت و نفرین خدا بر کسانی که نهی از منکر

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹؛ فتوح، ابن اعمش، ج ۵، ص ۳۳.
۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۶.

می آوردند...»^(۱)

آن تسلیم کنیم؛ وگرنه در ایمان ما خلل ایجاد می کند.

بصیرت سوم: تسلیم و پذیرش حکم

خدا و ولی خدا

امروز حکم ولایت الهیه فقیه، همان حکم ولی خدا، رسول خدا و حکم الهی است که امام بزرگوارمان به خوبی آن را تبیین کردند.

«فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^(۲) «به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در

بصیرت چهارم: بصیرت در انجام تکلیف

آنچه جامعه اسلامی را دچار مشکل می کند هم انجام ندادن تکلیف و هم انجام ناقص تکلیف و هم انحراف در انجام تکلیف است؛ از اینرو باید آحاد جامعه اسلامی را آموزش داد به اینکه انجام دادن تکلیف، سه عنصر اساسی لازم دارد که این هم از مقوله بصیرت است:

اختلافات خود تو را به داوری طلبند، و سپس از داوری تو در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.» این آیه می فهماند که باید در برابر حکم خدا، رسول خدا و ولی خدا تسلیم بود و حتی در دل نیز، تردیدی نباید داشته باشیم، نه اینکه در برابر حکم خدا و ولی خدا، عمل خود را تحمیل

الف. تدبیر، تفکر و تعقل در دستورها و فرمولهای دینی؛

کنیم؛ بلکه اعتماد به اینکه این حکم از طرف خدا و ولی خداست و قطعاً از اشراف بیش تر، عمق بیش تر، جامعیت بیش تر، دقت بیش تر و حمایت بیش تر برخوردار است، عقل خود را در برابر

ب. تلاش و تدبیر برای انجام تکلیف، بنابر اینکه قرآن می فرماید: «أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^(۳) «برای انسان جز آنچه تلاش می کند نیست.»

۱. سایت مقام معظم رهبری، بیانات رهبر معظم در جمع فرماندهان، مسئولان و پرسنل سپاه پاسداران و نیروی انتظامی و جمعی از جانبازان انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۱۳۷۴/۱۰/۵.

۲. نساء / ۶۵.

و عترت نیز بهره ببرد؛ پس در هر تکلیفی سه اصل وجود دارد:

۱. توکل و اعتماد و اتکا به حضرت حق که سبب‌ساز و سبب‌سوز است. ﴿وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^(۲) «هر کس بر خدا توکل کند کفایت امرش را می‌کند.»

۲. تفویض و واگذاری نتیجه به حضرت حق که فرمود: ﴿أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾^(۳) «من کار خود را به خدا وامی‌گذارم که خداوند نسبت به بندگانش بیناست.» و امام بزرگوار فرمود: «همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه.»^(۴)

۳. توسل و استفاده از واسطه فیض، یعنی امام ناطق و امام صامت.

از سوی دیگر تکلیف، موانعی بر سر راه دارد که باید دربارهٔ عوامل برطرف کردن آنها بصیرت‌دهی شود. مهم‌ترین این عوامل از منابع دینی عبارت‌اند از:

۱. استغفار: که آثار سوء گناهان

امروز نیز اگر خواص، عمار گونه در ولی‌شناسی و دشمن‌شناسی فریاد نزنند، قانون‌گریزان، شعار قانون‌گرایی را بالای نیزه می‌زنند و این نیزه مقدمه بالای نیزه رفتن سر امام خواهد شد

تکلیف: همه می‌دانیم که تکلیف، سختی و مشقت دارد که در کلام رهبر فرزانه انقلاب نیز گذشت که اگر نصرت الهی هست، کشته شدن، اسارتها، شکنجه‌ها و سختیها نیز هست؛ در نتیجه قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ﴾^(۱) «کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند.»

بصیرت پنجم: جلب حمایت‌های لازم برای انجام تکلیف و رفع موانع آن

هر تکلیفی چون مأموریتی از طرف خداوند متعال است؛ از اینرو باید به فیوضات و اثرگذاری الهی متصل باشد و قطعاً باید از واسطه فیض، یعنی قرآن

۲. طلاق / ۳.
۳. غافر / ۴۴.
۴. صحیفه حضرت امام خمینی، ج ۲۱، ص ۲۸۴.

و هم برای تحقق امامت امام تا پای جان تلاش می‌کند. این عمار است که فریاد می‌زند اگر امامت نور را با عزت نپذیرفتید، مثل عبدالله بن عمر، باید با ذلت امامت نار و باطل، یعنی حجاج بن یوسف ثقفی را بپذیرید. عمارها باید بگویند اگر امامت ولایت الهیه فقیه را نپذیرفتید باید امامت طاغوت‌های زمان را با ذلت بپذیرند.

عمار اگر در جنگ صفین فریاد می‌زند، نگران این است که قرآن بالای نیزه، مقدمه بالای نیزه رفتن سر امام حسین علیه السلام باشد.

امروز نیز اگر خواص، عمارگونه در ولی‌شناسی و دشمن‌شناسی فریاد نزنند، قانون‌گریزان، شعار قانون‌گرایی را بالای نیزه می‌زنند و این نیز مقدمه بالای نیزه رفتن سر امام خواهد شد. این عمار؟ این عمار؟ این عمار؟

گذشته در عمل آینده را از بین می‌برد. ۲. صدقه: که مهم‌ترین تأثیر آن رفع موانع در مسیر انجام تکلیف است. ۳. دعا: که خداوند متعال فرمود: ﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾^(۱) «بگو اگر دعای شما نبود خدا به شما اعتنا نمی‌کرد.» قطعاً دعا باعث توجه حضرت حق و باعث نصرت دین می‌شود.

خاتمه

بصیرت، مهم‌ترین عامل موفقیت حق در برابر باطل در جنگ‌های نرم و سخت است. شخصیت‌هایی مثل عمار با بصیرت‌دهی به جامعه در دو بخش ولی‌شناسی و دشمن‌شناسی، هم در جنگ نرم یعنی تقابل بین امام و جریان قاعدین و هم در جنگ سخت که تقابل بین امام و جریان ناکثین، قاسطین و مارقین بود، زیباترین روشنگری را انجام دادند.

این عمار است که با نگاه عمیق خود به عمود خیمه اسلام، یعنی ولایت، هم احساس نیاز صد در صدی به امام را تبیین می‌کند و هم در همه ابعاد زندگی خود، این احساس را ابراز می‌کند